

<div> </div> 	
اخلاق در حوزه	
	
شور حسینی در دل شیعیان	
آیت‌الله‌العظمی مظاهری	

یکی از امتیازهای امام حسین علیه السلام، این شوری است که در دل‌های شیعیان است و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به این خبر داده است. می‌فرماید: ﴿إِنَّ لِقَتْلَ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا﴾ ؛ خدا از امام حسین علیه السلام حرارت و شوری در دل شیعیان قرار داده‌که این خاموش‌شدنی نیست.

ازاین جمله‌می‌فهمیم‌که‌حتی‌درزمان‌حضرت‌ولی‌عصر علیه السلام هم این روضه هست. برای اینکه این روضه‌هاست که آرامش دل شیعه است. بعد می‌گویم که روح شهادت‌طلبی در او می‌دمد؛ اما آنچه مورد بحث ماست، این است که:

این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست این چه شمعی است که جان‌ها همه پروانه اوست این تفاوتی هم نداردکه مسجدی باشد یا غیرمسجدی باشد. فاسق باشد یا فاجر باشد. در دهه محرم یک شوری در دل شیعه پیدا می‌شود که حاضر است که همه چیز را فدای او کند. می‌بینیم که همه این سیاه‌پوشی و این عزاداری را در این دهه محرم دارند و همیشه داشتند و تا آخر هم، به قول پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هست؛ حتی غیر شیعه توجه به امام حسین علیه السلام پیدا می‌کنند، این شور در دل آنها هم پیدا می‌شود.

- پیامبران آشنای دیرین امام حسین علیه السلام**

در روایات می‌خوانیم، هر وقت که اسم امام حسین علیه السلام می‌آمد، در خدمت یکی از پیامبران گذشته، شوری در دل آنها هم پیدا می‌شد. حضرت آدم بنا شد، توبه کند. قرآن می‌فرماید که جبرئیل آمد و اسماء پنج‌تن آل‌عبا علیهم السلام را به او گوشزد کرد. قبلاً در عرش خدا دیده بود: ﴿فَلَمَّا أَتَىٰ مِّن رَّيِّهِ كَلِمَاتٌ﴾ ؛ این کلمات یعنی پنج‌تن آل‌عبا علیهم السلام. جبرئیل گفت: خدا را به این پنج تن قسم بده تا خدا دعایت را مستجاب و توبهات را قبول کند. حضرت آدم علیه السلام توبه کرد. گریه‌ها و زاری‌ها داشت و بالأخره آرام شد. یک سؤال کرد و گفت: جبرئیل! این حسین کیست که وقتی اسمش را آوردم، دلم شکست و شوری پیدا کردم. جبرئیل برای حضرت آدم روضه عطش را خواند و گفت: این فرزند توست که به کرِبا می‌رود و آنجا دشمن نه‌تنها او را بلکه همه اولادش را می‌کشند و از عطش بچه‌هایش می‌میرند و بالأخره جبرئیل روضه‌ای برای حضرت آدم خواند و حضرت آدم علیه السلام گریه کرد.^۲ مرادم این جمله است که وقتی اسم امام حسین علیه السلام را پیش حضرت آدم آوردند، شوری در دلش پیدا شد. راجع به حضرت موسی و حضرت ابراهیم علیهم السلام نیز چنین است.

- روضه‌ای که خدا برای حضرت موسی علیه السلام خواند**

خدا برای حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام مصیبت خوانده است. خدا به حضرت موسی فرمود که ای موسی! یکی از امتیازهای شیعه، این عاشوراست. گفت: خدایا! عاشورا چیست؟ گفت: گریه و عزاداری برای حسین علیه السلام. وقتی اسم حسین آمد، دلش شکست و خدا هم یک گریه حسابی از او گرفت؛ یعنی یک مصیبت برای حضرت موسی علیه السلام خواند و بعد هم مصیبت ععلش خواند و حضرت موسی علیه السلام یک گریه حسابی برای امام حسین علیه السلام کرد.^۳

- گریه‌های اهل‌بیت در مصیبت امام حسین علیه السلام**

حضرت زهرا علیه السلام نیز به یاد کرِبا گریه می‌کردند. امیرالمؤمنین علیه السلام به یاد کرِبا گریه می‌کردند و روضه می‌خواندند.^۴ همین‌طور که بعد از امام حسین علیه السلام، همه ائمه طاهرين علیهم السلام در این دهه محرم عزاداری می‌کردند و در این دهه، کسی آنها را خندان نمی‌دید و به دنبال روضه‌خوانی بودند که روضه بخواند و اینها بلندبلند گریه‌کنند. این اختصاص‌های امام حسین علیه السلام است؛ یعنی مثلاً پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی اسمشان آورده می‌شود، فرحی برای همه پیدا می‌شود. با علی، اسمش آورده می‌شود و یا فاطمه و مابقی علیهم السلام. کسانی که به‌راستی عاشق این زمان هستند، به‌راستی برای فرج ایشان کار می‌کنند، اینها امام زمان علیه السلام را دوست دارند؛ اما این‌طور نیست که شوری در دلشان از اسم امام زمان بیاید؛ بلکه این شور مختص امام حسین علیه السلام است و ما باید به این شور توجه داشته باشیم و این نعمت بزرگی است؛ برای اینکه انسان وقتی اسم حسین علیه السلام می‌آید، یاد حسین بیفتد؛ اما با یاد، حرارتی در دلش پیدا شود؛ لذا روایت داریم که وقتی آب می‌خورید، به یاد امام حسین علیه السلام باشید و سلامی به آن‌حضرت بکنید. وقت‌آب خوردن، این‌ها شور را در دل پیدا کنید. وقتی غریبی را می‌بینید و یا نام شهیدی را می‌شنوید. ﴿لَا يَوْمَ كَيْفُمْ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ﴾ ؛ هیچ روزی مثل روز عاشورا و هیچ کسی مثل حسین علیه السلام نیست.

- فواید گریه بر امام حسین علیه السلام**

همهٔ ائمه طاهرين علیهم السلام را شهید کردند و باید برای آنها گریه کنیم. همه ائمهٔ طاهرين علیهم السلام عزا دارند و باید برای آنها گریه کنیم. اما امام حسین علیه السلام غیر از سایر ائمه طاهرين علیهم السلام است. غیر از حسین امیرالمؤمنین علیه السلام است. پدرش مظلوم است؛ اما این کلمه مظلوم برای امام حسین علیه السلام است. اینکه در دل شوری پیدا می‌شود، برای امام حسین علیه السلام است و اینکه انسان گریه کند و آرام شود، برای امام حسین علیه السلام است و به‌راستی گریه بر حسین علیه السلام، آدم را آرام می‌کند و ما باید به این اختصاص‌ها و امتیازها اهمیت بدهیم؛ ولو امتیاز برای امام حسین علیه السلام است؛ اما برای ما هم یک امتیاز است. به یاد امام حسین علیه السلام دل‌مان بشکند و شوری پیدا شود. آنگاه همین آب برای ما لذت‌بخش می‌شود. بعد هم به‌نام حسین علیه السلام گریه کنیم و این گریه برای ما آرام‌بخش می‌شود: ﴿إِنَّ لِقَتْلَ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا﴾ .

- پی‌نوشت‌ها**

- ↑ مستدرک‌الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸؛
- ↑ بقره، ۲۷؛ «سپس آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود»؛
- ↑ رک: بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۵؛
- ↑ رک: کامل‌الزیارات، ص ۱۶۷، الخصال، ج ۱، ص ۵۸؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۰۸؛
- ↑ رک: کامل‌الزیارات، ص ۱۶۸؛
- ↑ رک: المصباح‌الکفمی، ص ۷۲۱؛
- ↑ امالی‌الص‌دوق، ص ۱۱۶.

www.ofoghhawzah.com

دوشنبه ۱ مرداد ۱۴۰۳ ۱۶ محرم الحرام ۱۴۴۶ ۲۲ جولای ۲۰۲۴

سال بیست و سوم • شماره ۸۰۷

افروزه ۳

پرس و جو



نهضت عاشورا چه نقشی در بقا و پیشرفت اسلام داشته است؟

آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی رحمته‌الله

اگر کسی سؤال کند که از کجا بدانیم، داستان کرِبا چنین نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشرفت اسلام، در بقای اسلام و نهایتاً در سعادت انسان‌ها داشته و می‌تواند داشته باشد؟ در این باره نیز باید تا حدی که بتوانیم صحبت کنیم. آنچه دوست و دشمن بر آن اتفاق دارند، این است که داستان کرِبا، اگر در عالم انسانیت داستان منحصر به فردی نباشد، از وقایع بسیار کم‌نظیر است؛ البته ما براساس آنچه از ائمه اطهار علیهم السلام دریافت داشته‌ایم، این داستان را منحصر به فرد می‌دانیم و معتقدیم که نظیر این داستان در گذشته نبوده و در آینده هم نخواهد بود؛ ولی از جهت احتیاط در سخن و برای اینکه باکسانی مواجه هستیم که طبعاً از ما دلیل و سند می‌خواهند و برای اینکه وارد آن بحث‌ها نشویم، می‌گوییم: اتفاق نظر همه مورخین و همه آشنایان به تاریخ بشر این است که اگر داستان عاشورا منحصر به فرد نباشد، از کم‌نظیرترین داستان‌های عالم است؛ داستانی که هم از نظر کیفیت وقوع، هم از نظر عظمت مصیبت و هم از نظر بقای خاطره آن در میان مردم و آثار اجتماعی که بر آن مرتب می‌شود، با هیچ ماجرای دیگری قابل مقایسه نیست. خود همین تکرار عزاداری‌هایی که در کشور خودمان می‌بینیم، می‌تواند برای ما عامل هشداردهنده و بیدارکننده‌ای باشد که هیچ حادثهٔ دیگری با این حادثه قابل مقایسه نیست؛ حادثه‌ای که برای آن، این همه وقت و هزینه صرف می‌شود و این همه اشک‌ها ریخته می‌شود، با چه حادثه و پیشامدی قابل تشبیه است؟

- گسترده‌گی، اهمیت و تأثیر عزاداری برای سیدالشهداء علیه السلام**

این عزاداری‌ها مخصوص شهر و کشور ما نیست. شاید بسیاری از مردم گمان کنند که این‌گونه عزاداری‌ها مخصوص شهرهایی همچون قم و مشهد یا سایر شهرهای ایران است؛ اما من به شما عرض کنم که در دورترین نقطه‌های جهان در ایام محرم و صفر و به‌خصوص روز عاشورا شبیه همین مراسمی که شما در شهر خودتان دارید، برنامه‌هایی برگزار می‌شود. در نیویورک که یکی از بزرگترین شهرهای دنیاست، در روز عاشورا از طرف شیعیان پاکستانی، ایرانی، عراقی، لبنانی و بعضی از کشورهای دیگر، دسته سینه‌زنی راه می‌افتد؛ به‌طوری که توجه همه مردم را به خود جلب می‌کند. بزرگترین خیابان این شهر، پر از جمعیت می‌شود؛ به‌گونه‌ای که رفت و آمد را مشکل می‌سازد.

علاوه بر شیعیان، در بسیاری از کشورهای سنی‌نشین هم، در ایام عاشورا چنین مراسمی از سوی اهل سنت برگزار می‌شود؛ یا اگر شیعیان جلساتی تشکیل می‌دهند، برادران اهل تسنن، خود را موظف می‌دانند که در این مراسم شرکت کنند. بسیاری از برادران اهل تسنن ما در شبه‌قاره هند، هم در هندوستان که تعداد مسلمانان آن، دو برابر جمعیت کل ایران است و هم در بنگلادش و پاکستان، به‌عنوان ادای اجر رسالت، بر خود واجب می‌دانند که در مراسم عزاداری سیدالشهداء علیه السلام شرکت کنند؛ چون در قرآن آمده است: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ ؛ بر همین اساس، ایشان نیز اظهار مودت به اهل‌بیت علیهم السلام را اجر رسالت می‌دانند و ادای آن را بر خود واجب می‌شمارند. به این دلیل وقتی عزاداری سیدالشهداء علیه السلام برپا می‌شود، آنها هم برای اظهار محبت و علاقه به اهل‌بیت علیهم السلام و ادای این دینی که به عهده خود می‌دانند، شرکت می‌کنند؛ بلکه حتی بت‌پرستانی که به شریعت اسلام معتقد نیستند، به‌لحاظ برکاتی که از عزاداری سیدالشهداء علیه السلام دیده‌اند، مراسم عزاداری برپا می‌کنند و نذورات فراوانی برای برگزاری مراسم سیدالشهداء علیه السلام دارند. اینها مواردی است که در تمام دنیا دیده می‌شود و کفار هم می‌دانند که چنین مسائلی وجود دارد. شما هیچ حادثه‌ای را در عالم نمی‌توانید نشان دهید که چنین تأثیری داشته باشد و ملت‌های مختلف را تحت تأثیر قرار داده باشد.

- حرارتی که سرد نخواهد شد**

از نظر طول اثر، پیش از سیزده قرن است که طراوات و تازگی خود را حفظ کرده و گویی این جریان دیروز واقع شده است و مردم همچنان با سوز و گداز می‌گیرند و بر سر و سینه می‌زنند. شاید بعضی از مراسم عزاداری وجود داشته باشد که از جهت قدمت سابقه بیشتری داشته باشد. نمونه‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد، عزاداری‌ای است که مسیحیان برای به دار زدن حضرت عیسی علیه السلام انجام می‌دهند. سالگرد به دار کشیده شدن حضرت عیسی ـ علی نبینا وآله وعلیه السلام ـ در همین ایام بهار است؛ البته ما معتقدیم که چنین اتفاقی واقع نشده است. قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَا قَتْلُوهُ وَمَا صَلْبُوهُ وَلَٰكِن شَبَّهَ لَهُمْ﴾ ؛ اما آنها معتقدند که حضرت عیسی علیه السلام را به دار کشیدند و ایشان را دفن کردند و بعد از سه روز، ایشان از قبر بیرون آمد و به آسمان رفت؛ لذا برای سالگرد به دار کشیده شدن حضرت عیسی علیه السلام مراسم عزاداری برپا می‌کنند. بنده یک سال در واتیکان بودم که مصادف بود با شب‌هایی که شب عزاداری حضرت مسیح صلی الله علیه و آله بود. این مراسم در کلیسای بزرگ رم، در کلیسای سن‌پیترو با حضور خود پاپ برگزار می‌شد و برنامه به‌گونه‌ای پیش آمد که ما هم در آن شرکت کردیم. بدیهی است، مراسمی که در آن، پاپ که شخصیت جهانی عظیمی دارد، شرکت می‌کند و از اطراف دنیا برای دیدن آن جمع می‌شوند و در کلیسایی که بزرگترین کلیسای عالم است ،برپا می‌گردد، مراسمی باشکوه خواهد بود. در این

مراسم لباس مشکی می‌پوشند، شمع روشن می‌کنند و سرودهای مذهبی

شبیه نوحه‌ای که ما می‌خوانیم، به‌صورت آرام می‌خوانند. چنین مراسمی را برگزار می‌کنند؛ اما تمام این مراسم به‌اندازه مجلس ترحیم یکی از علمای ما شور ندارد. از آنجا که از میلاد حضرت مسیح صلی الله علیه و آله دو هزار سال می‌گذرد، می‌توانیم بگوییم سابقه برگزاری این مراسم عزاداری، به حدود دو هزار سال می‌رسد و این مراسم همچنان برگزار می‌شود و مورد احترام است؛ اما به‌همین صورت کم‌رنگ و خیلی عادی برگزار می‌گردد. اگر شما این مراسم را با یکی از مجالس عزاداری که در قم یا تهران برگزار می‌شود مقایسه کنید، آن وقت خواهید دید که چقدر تفاوت است، میان آن ارادتی که مسلمانان. به‌خصوص شیعیان. از عمق جان اظهار می‌کنند، با آنچه در بزرگترین ادیان جهان و با آن تشکیلات، برای حضرت مسیح صلی الله علیه و آله برگزار می‌شود. به هر حال شما بهتر می‌دانید و خودتان لمس کنید که کیفیت آن با هیچ مراسمی قابل مقایسه نیست.

به این مطالب، فداکاری‌هایی را که شیعیان در طول تاریخ کرده‌اند، اضافه کنید. این فداکاری‌ها برای این بوده است که بتوانند، این مراسم را برگزار کنند و به زیارت قبر سیدالشهداء علیه السلام نائل شوند. همیشه برگزاری این‌گونه مراسم و زیارت قبر آن‌حضرت علیه السلام به این راحتی نبوده است؛ البته الآن هم خیلی راحت نیست؛ ولی زمانی بود که اگر کسی می‌خواست برای زیارت قبر سیدالشهداء علیه السلام برود، باید جان خود را کف دست بگیرد. مأموران دولت عباسی، به‌خصوص در زمان متوکل، آن‌چنان سخت‌گیری می‌کردند که کسی جرأت نکند، به نزدیک حرم حسینی برسد و بالأخره قبر سیدالشهداء علیه السلام را خراب کردند، بر آن آب بستند و زمینش را شخم زدند، برای اینکه کل آثار این قبر محو شود؛ ولی شیعیان برای آنکه بتوانند، حتی قبر سیدالشهداء علیه السلام را زیارت کنند، حاضر شدند، دست بدهند، پا بدهند، جان بدهند؛ اما بروند و از نزدیک سلام بدهند. چنین چیزی قطعاً در تاریخ بشر نمونه ندارد. اگر از هر جهت دیگر بگوییم، شباهتی با سایر حوادث دارد، از این جهت شباهتی با هیچ حادثه‌ای ندارد. هیچ واقعه‌ای را نمی‌شود، با این واقعه مقایسه کرد.

البته این حادثهٔ اتفاقی نیست؛ درست است که خدای متعال در قلب مؤمنان عشقی برای سیدالشهداء علیه السلام قرار داده است و در این مورد، یک عامل غیبی وجود دارد؛ اما کارهای الهی معمولاً بدون اسباب ظاهری نیست؛ اینکه‌گاهی بدون اسباب ظاهری کاری انجام می‌گیرد، استثناء است. تصادفی نبوده که شیعیان این‌طور علاقه‌مند شدند. حتی اهل تسنن و حتی بت‌پرستان هم، برکات و آثاری از این کار دیده‌اند؛ ولی شاید مهم‌تر از همه، توصیه‌هایی بوده است که پیشاپیش از طرف خود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و از طرف ائمه و اهل‌بیت علیهم السلام بر زیارت، بزرداشت و عزاداری، گریستن و برپا کردن مراسم ماتم صادر و بر آنها تأکید شده است. تأکیدهایی عجیب که یک سلام دادن برای سیدالشهداء علیه السلام ثواب حج و عمره دارد؛ سلامی که از حضور قلب و از صدق دل انجام بگیرد، می‌تواند ثواب حج مستحب داشته باشد. آن‌قدر ثواب در فضیلت زیارت سیدالشهداء علیه السلام وارد شده است که کتاب‌ها از این قبیل مطالب پر شده است. رفتاری را که خود ائمه اطهار علیهم السلام در بزرگداشت این مراسم داشته‌اند، مورد توجه قرار دهید. مثلاً به کسانی که مرثیه می‌گفتند و شعر می‌سرودند، صله‌های فراوان می‌دادند و از آنها بسیار تمجید می‌کردند و به آنان احترام می‌گذاشتند. در بیوت خود مراسم عزاداری تشکیل می‌دادند، شاعری را دعوت می‌کردند و می‌آمد مرثیه می‌خواند. هم سفارش‌های زبانی و هم سیره عملی و هم ذکر آن همه ثواب‌ها برای زیارت و بزرگداشت عزاداری و بالأخره آن عشقی که خدا در دل‌های پاک مؤمنان قرار داده، این حادثه را به‌صورت حادثهٔ منحصر به

فردی در تاریخ بشر درآورده است.

- عزاداری عاشورا چه اثری در زندگی انسان‌ها داشته است؟**

اما این‌ها چه اثری در زندگی انسان‌ها داشته است؟ ما معتقدیم که مقام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از ائمه اطهار علیهم السلام بالاتر است. چرا برای وفات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله این‌گونه عزاداری نمی‌کنیم؟ چرا با اینکه مقام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از همه ائمه اطهار علیهم السلام بالاتر است، این همه سفارش برای زیارت و برپا کردن مراسم عزاداری آن‌حضرت نشده است؟ ما دوازده امام معصوم داریم. اگر بنا بر تفصیل مقام ائمه علیهم السلام باشد، براساس آنچه خود ایشان فرموده‌اند، مقام امیرالمؤمنین علیه السلام از همه بالاتر است. درست است که ما برای شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام هم خیلی عزاداری می‌کنیم؛ اما نسبت به سیدالشهداء علیه السلام قابل مقایسه نیست. مصیبت حسین علیه السلام چه خصوصیتی دارد که این چنین برای او اهمیت قائل شده‌اند و نسبت به آن، این همه سفارش کرده‌اند؟ بگذریم از روایاتی که می‌فرماید: از زمان حضرت آدم علیه السلام، ذکر حسین علیه السلام و گریه کردن بر مصیبت آن‌حضرت بوده است. روایاتی هست که همه انبیا و اولیا و فرشتگان آسمان برای سیدالشهداء علیه السلام گریه کرده‌اند. این ویژگی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد آن بزرگوار فرمود: «حسین منی وأنا من حسین»،^۱ برای چیست؟ خوب، معنای «حسین منی» روشن است؛ اما «انا من حسین» خیلی مهم است. یا عبارت معروفی که معمولاً در حسینیه‌ها می‌نویسند که از این روایت گرفته شده است: «ان الحسین بن علی فی السماء اکبر منه فی الارض فانه لمکتوب عن یمین عرش الله مصباح هدی وسفینه نجاه»؛^۲ حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است. خوب، همه امامان ما علیهم السلام چراغ هدایت بوده‌اند، همه آنان کشتی نجات هستند.

- ویژگی‌های منحصر به فرد امام حسین علیه السلام**

که به عزادایش برکت داده است

در زیارت جامعه می‌خوانیم که همه شما کشتی نجات هستید و هرکس به شما تمسک بجوید، نجات می‌یابد و هرکس از شما دور و عقب بماند، هلاک می‌شود. همه اهل‌بیت علیهم السلام همین گونه‌اند. پس حسین علیه السلام چه خصوصیتی دارد؟

بدون شک شخصیت سیدالشهداء علیه السلام و شرایطی که به تقدیر الهی برای زندگی ایشان پیش آمد، یک ویژگی به زندگی آن‌حضرت علیه السلام و به‌خصوص شهادت او بخشید که این برکات می‌تواند از آن ناشی شود. همین‌طور ما معتقدیم همه ائمه اطهار علیهم السلام نور واحد هستند؛ هر امام دیگری هم به‌جای امام حسین علیه السلام بود، باید همین برنامه را اجرا می‌کرد. اگر اختلافی در رفتار ائمه علیه السلام دیده می‌شود، به‌لحاظ شرایط اجتماعی زمان ایشان بوده است. مثلاً امام حسن علیه السلام اول جنگید و بعد صلح کرد. اینکه معروف است که امام حسن علیه السلام در مقایسه با سیدالشهداء علیه السلام سمبل صلح بود، بدان معنا نیست که دو نوع سلیقه و دو قرارت از اسلام داشته‌اند، قرآنتی صلح‌طلبانه و قرآنت دیگری خشونت‌آمیز؛ خیر، ما معتقدیم اگر امام حسین علیه السلام هم در موقعیت امام حسن علیه السلام بود، می‌بایست همانند امام حسن علیه السلام رفتار کند و اگر امام حسن علیه السلام در شرایط امام حسین علیه السلام بود، باید همان رفتار امام حسین علیه السلام را انجام می‌داد و سایر ائمه علیهم السلام نیز به‌همین شکل. اختلاف در روش‌ها و رفتارها، به‌خاطر شرایط اجتماعی خاصی بوده که این وظایف را ایجاب می‌کرده است. پس این شرایط خاص است که برای ابی‌عبدالله علیه السلام پیش آمد و زمینه‌ای را فراهم کرد که نقشی را در تاریخ بشر و راهنمایی انسان‌ها ایفا کند که برای هیچ فرد دیگری میسر نشد. این شرایط بود که چنین رفتاری را تعیین کرد؛ یا نه به‌زبان دینی، این تقدیر الهی و خواست خدا بود. چون شرایط اجتماعی هم به دست خداست، همه چیز به اراده لا یزال الهی منتهی می‌شود. این دو مطلب، دو روی یک سکه است؛ خواه بگوییم خدا این ویژگی را به امام حسین علیه السلام بخشید و یا بگوییم شرایط زندگی ابی‌عبدالله این خصوصیت‌ها را اقتضا کرد؛ چون این شرایط نیز تابع اراده خداست و طبق تقدیر او انجام می‌گیرد.

- راز توسل و توجه بیشتر به امام حسین علیه السلام نسبت به امامان دیگر**

حال باید بررسی کنیم که چگونه سیدالشهداء علیه السلام این ویژگی را پیدا کرد که بتواند، این برکات را داشته باشد و مردم در سایه عزاداری در مصیبت او بتوانند، مصالح دنیا و به‌خصوص مصالح آخرتشان را تأمین کنند؛ چون برای مؤمن، دنیا مقدمه‌ای برای تکامل اخروی است و حیات اصلی در آنجاست. اینجا یک دوران جنینی است که ما می‌گذرانیم. حیات حقیقی، پس از مرگ شروع می‌شود. ﴿وَإِن الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ﴾ ؛ حیات واقعی، پس از این عالم است. به هر حال، هم مصالح دنیوی و هم مصالح اخروی ما، در سایه توسل به سیدالشهداء علیه السلام، توجه به آن‌حضرت، عزاداری برای او، گریستن برای او و عرض ارادت به ایشان است. همه شما آن‌قدر از معجزات و کراماتی که از این عزاداری‌ها حاصل شده است، شنیده‌اید که من هرچه بگویم، زیره به کرمان بردن است؛ لذا به این قسمت نمی‌پردازم. حتی خاک گلی که عزاداران سیدالشهداء علیه السلام به پیشانی می‌مالند، موجب شفای چشم آیت‌الله‌العظمی بروجردی رحمته‌الله شد. این داستان را همه شنیده‌اید که ایشان به چشم مبتلا بودند که معالجه نمی‌شد. تا اینکه که روز عاشورا در بروجرد دسته‌ای سینه‌زن به منزل ایشان آمدند. مرحوم آیت‌الله بروجردی، مقداری از گل‌هایی را که عزاداران حسینی به سر و صورت مالیده بودند، برداشته و به چشم مالید و آن چشم درد ایشان معالجه شد و تا آخر عمر هیچ ناراحتی از ناحیه چشم نداشتند و بدون عینک، ریزترین خط‌ها را می‌خوانند و این، به‌برکت گلی بود که از سر و پیشانی سینه زنان سیدالشهداء علیه السلام ریخته بود. از این‌گونه کرامات و معجزات الهی ما‌شاء‌الله وجود داد. همه شما با یک قطره اشکی که در این مراسم می‌ریزد، اول نورانیت آن را در خود احساس می‌کنید. حاجت‌هایی که از شما برآورده می‌شود و نیز بسیاری از آفت‌ها و مصیبت‌هایی که از شما دفع می‌شود و نمی‌دانید، در مرحله بعد است. نکته‌ای است که داخل پرازنز عرض می‌کنم که در دعاها به آن اشاره شده است و آن اینکه ما غالباً فقط حاجت‌هایی را که از خدا می‌خواهیم و برآورده می‌شود، به حساب می‌آوریم؛ اما نمی‌دانیم، چه مصیبت‌هایی متوجه ما بوده است و خدا آن مصیبت‌ها را از ما برداشته است و از آنها خبر نداریم؛ درحالی‌که به‌برکت نام سیدالشهداء علیه السلام ده‌ها برابر برکاتی که بر مردم نازل می‌شود، آفات و مصیبت‌هایی از آنها برداشته می‌شود و ما خبر نداریم و آنها را به حساب نمی‌آوریم. اگر چنین چیزی باشد، آیا جا ندارد که مردم این همه اهتمام به گریه و عزاداری داشته باشند؟

منبع: آن‌درخشی دیگر از آسمان کرِبا، آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی رحمته‌الله.

- پی‌نوشت‌ها**

- ↑ شوری، ۲۳؛
- ↑ نساء، ۱۵۷؛
- ↑ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۶۱، ج ۱۲، باب ۲؛ روایت ۱؛
- ↑ همان، ج ۳۶، ص ۲۰۴، باب ۲؛ روایت ۱؛
- ↑ عنکبوت، ۶۴.